

پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران
دوره ۱۱، شماره پیاپی ۲۱
بهار و تابستان ۱۴۰۰، صص ۹۵-۱۲۰

پیامدهای دسترسی زنان به منابع آبی در پیوند با ساختار مطالعه موردی: سامانه فرهنگی وقف در سال‌های ۱۲۵۰-۱۳۰۲ ش - کرمان

اعظم علیخانی^۱

محمد همایون‌سپهر^۲

وحید رشیدوش^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۷

چکیده

مسئله اصلی این جستار شناخت پیامدهای دسترسی زنان به منابع آبی در رابطه با ساختار اجتماعی در بخشی از موقعیت اقلیمی خشک فلات مرکزی ایران است. هدف این پژوهش تمرکز بر مطالعه پایگاه جنسیتی زنان برای شناخت پیامدهای دسترسی این کنشگران به منابع آبی در پیوند با ساختار است. پرسش اصلی پژوهش این است که پیامدهای دسترسی زنان به منابع آبی در میدان سامانه فرهنگی وقف در ارتباط با ساختار اجتماعی در دوره قاجار چیست. میدان و قلمرو این تحقیق، سامانه فرهنگی وقف در کرمان محسوب می‌شود. بنا به رویکرد تاریخی، گردآوری یافته‌ها مبتنی بر اسناد انجام شده است. داده‌های این مطالعه با نمونه‌گیری هدفمند از «دفتر ثبت موقوفات ایالت کرمان» در برش زمانی ۱۲۵۰-۱۳۰۲ ش، با تمرکز بر پایگاه جنسیتی زنان و وجود رقابت آبی در وقفنامه‌ها و اسناد شبکه‌ای از مجموعه اسناد متولیان موقوفات جامعه هدف تا رسیدن به اشباع نظری صورت گرفته است. روش تحلیلی این پژوهش، کیفی، استقرائی و مبتنی بر تحلیل مضمون است. نتیجه این جستار، شناخت دلالت‌های دسترسی به منابع آبی در قلمرو مورد مطالعه است. تحلیل مضمون داده‌های این تحقیق، پیامدهای دسترسی - بهره‌مندی از حق دارایی - زنان به منابع آبی را در مضامینی مانند «پیوند کنشگر و ساختار» و نیز «پاسخ فرهنگی به نیازهای فردی، فیما بین و ساختار اجتماعی»، «کنش منطبق بر ضرورت‌های بنیادین ساختار اجتماعی» و نیز «عملکرد کنشگران گونه‌ای واگشتی از ساختار» نمایش می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: دسترسی، زنان، فرهنگ، قاجار، کرمان، منابع آبی، وقف.

۱. گروه مردم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. alikhani58aa@gmail.com

۲. گروه مردم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، نویسنده مسئول. mhmayonsepehr@yahoo.com

۳. گروه مردم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. rashidvash@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

مطالعات علوم اجتماعی میزان دسترسی برخی اقشار اجتماعی به عرصه‌های عمومی و مشارکت آنان در آن عرصه‌ها را کمتر از دیگر اقشار دیده و زنان را از آن دسته تشخیص داده‌اند (علیرضائزاد و سرائی، ۱۳۸۶: ۱۲۶). این یافته‌ها نشانگر محرومیت دوسویه زنان، هم در حیات اجتماعی‌شان و هم در محدودیت دسترسی به این عرصه‌ها و منابع در حوزه‌های مختلف است. این محرومیت‌ها و محدودیت‌ها بیانگر غلبه گفتمان‌های مردانه یا اهمیت اندک فعالیت این گروه در ساختارهای اجتماعی و دینی است (ناجی‌راد، ۱۳۸۲؛ عبدالهی، ۱۳۸۷). از سوی دیگر برخی پژوهشگران، اذعان بر کنشگری زنان در برخی عرصه‌های زندگی، با وجود دسترسی‌نداشتن به منابع قدرت را دارند (رحمانی و فرحزادی، ۱۳۹۴). باید یادآور شد، مطالعاتی از این دست، الگوهای سطح دسترسی زنانه را تنها در فضاهای خاص زنان دانسته (علیرضائزاد و سرائی، ۱۳۸۶: ۱۲۶) یا قائل به کنشگری زنان از نوع نامحسوس و نهان و گاه به گونه متناقض در محیط‌های خصوصی هستند (برای آگاهی بیشتر ر.ک: نادری، ۱۳۹۳).

محدودیت‌های ساختاری در دسترسی زنان که نیمی از بدنه ساختار جامعه هستند به منابع موجب شده است آن‌ها با دسترسی نابرابر در کنترل منابع و کمبود فرصت‌های تولید مواجه باشند. این قشربندی‌های جنسیتی در هر جامعه بنا به موقعیت اعضا در هرم سلسله‌مراتب، پاداش‌هایی مانند قدرت، ثروت و آزادی‌های فردی و اقتصادی را برای افراد آن جامعه فراهم می‌آورد (نرسیسیانس، ۱۳۹۰: ۹-۱۰). در این باره از جمله منابعی که می‌توان متمرکز بر آن سخن گفت، منابع آبی است؛ زیرا عموم سیاست‌ها و برنامه‌های مدیریت آب، «نابینای جنسیتی» هستند؛ حال آنکه دسترسی به منابع آبی و فرصت‌ها می‌تواند شوک‌ها و فشارهای ناشی از نبود امنیت آب را از یک سو و از دیگر سوی محدودیت‌ها و محرومیت‌های زنان را در دو پایگاه دارایی و دسترسی به منابع و فرصت‌ها به صورت توأمان کاهش دهد (پارکر و همکاران، ۲۰۱۶).

فائو^۱ در راستای برابری جنسیتی و مدیریت یکپارچه و پایدار منابع آبی در فهرست اولویت‌های راهبردی‌اش از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۰ شعار مشارکت جهانی آب^۲ را «دسترسی زنان به منابع آبی» قرار داد. در این راستا اتحادیه جنسیت و آب^۳ مبتنی بر اهداف توسعه پایدار، مشارکت و دسترسی عادلانه زنان به منابع آبی را در برنامه‌ای با نام زنان ۲۰۳۰^۴ طراحی کرد

1. Food and Agriculture Organization (FAO)

2. Global Water Partnership (GWP)

3. Gender Water and Alliance (GWA)

4. Women 2030

که نگرش حاکم بر آن، دسترسی پایگاه جنسیتی به منابع آبی است. این امر، ریشه در توجه به شرایط فرودستی جنسیتی زنان در دسترسی به ساخت قدرت دارد (میل، ۱۳۷۹؛ خلیلی، ۱۳۸۶: ۱۶۷؛ احمدنیا، ۱۳۹۴: ۳۳). اهداف این قبیل برنامه‌ها دستیابی به مشارکت کامل و مؤثر زنان، ایجاد فرصت‌های برابر و تغییرات در قدرت و وضعیت زنان در چارچوب روابط افراد در خانه، اجتماع و حوزه‌های عمومی و ساختار اجتماعی است (گرن، ۲۰۱۷: ۲۹).

گروهی از نویسندگان بر این باورند که نحوه مدیریت منابع زیست‌محیطی مانند آب با انتظارات اجتماعی و ساختاری و مؤسسات رسمی و غیررسمی شکل می‌گیرد و محدودیت‌های اجتماعی و ساختاری، شاکله دسترسی فردی به منابع و فرصت‌ها را شکل می‌دهد (پارکر و همکاران، ۲۰۱۶). سامانه فرهنگی وقف- در قالب یک ساختار غیررسمی یا مردم‌نهاد- از جمله عرصه‌هایی است که دال بر دسترسی افراد به دارایی خود و استفاده آنان از این حق- دسترسی- در تعیین نحوه مدیریت منابعی مانند منابع آبی است.

بحران جهانی آب اولویت‌های مطالعاتی را در حمایت از زنان و تسهیل دسترسی آن‌ها به این منابع و شناخت تجربه‌های فرهنگی قرار داده است. فرصت کنشگری زنان در حوزه عمومی و خصوصی هر دو با بهره‌مندی از حق دسترسی به این منابع، بنا به ساختار سنتی جامعه ایرانی دوران قاجار در محدود تجارب فرهنگی مشاهده می‌شود. در همین راستا، این پژوهش با رویکرد تاریخی، شناخت پیامدهای دسترسی زنان به منابع آبی را در یک تجربه فرهنگی به نام وقف با تکیه بر اسناد شبکه‌ای و اکاوی کرده است.

شرایط کم‌آب اقلیم ایران و بحران متعاقب آن در تغییرات اقلیمی پیش‌بینی شده بر اهمیت شناخت پیامدهای دسترسی زنان به منابع آبی در مناطق کمتر برخوردار از منابع آبی این اقلیم می‌افزاید. کرمان با معیشت قناتی، یکی از مناطق فلات مرکزی ایران است که از دیرباز، زناش مالکیت (دارایی) منابع آبی را از طریق بیع، ارث، مهریه و غیره تجربه کرده‌اند، اما اینکه آیا از دسترسی به این منابع یا به عبارتی حق استفاده و دخل و تصرف در این منابع برخوردار بوده‌اند یا خیر، باید در مطالعات متمرکز بر این موضوع بررسی شود. مبتنی بر این مهم، با تمرکز بر پایگاه جنسیتی زنان در این مطالعه اسنادی، شناخت پیامدهای دسترسی این کنشگران در مقطعی از دوره قاجار و فلات مرکزی ایران در یک تجربه فرهنگی متکی بر رویکرد تاریخی- سامانه وقف- در پیوند با ساختار اجتماعی، هدف پژوهش قرار گرفته است؛ پس سامانه فرهنگی وقف در این مطالعه به‌مثابه میدان یا قلمرو این مطالعه است که خود نیز پیامد دسترسی زنان به منابع محسوب می‌شود. شناخت پیامدهای دسترسی زنان به منابع آبی در رابطه با ساختار اجتماعی در بخشی از موقعیت اقلیمی خشک فلات مرکزی ایران، مسئله اصلی این جستار

است. پرسش اصلی این است که پیامدهای دسترسی زنان به منابع آبی در ارتباط با ساختار اجتماعی در میدان سامانه فرهنگی وقف در دوره قاجار چیست. منظور از تعیین جامعه هدف بر پایه پایگاه جنسیتی زنان، تأکید بر تمایز در تصمیم‌گیری و نوع کنش مبتنی بر پایگاه جنسیتی نیست، بلکه اولویت‌دادن به یک واقعیت در مقابل واقعیت دیگر است. این رویکرد- که دریدا آن را واسازی یا نوعی بنیان‌زدایی تاریخی می‌داند- از پنهان‌ماندن واقعیت دیگر در تاریخ جلوگیری می‌کند و از امری که سرکوب شده و غایب است پرده برمی‌دارد (مصلح و پارساخانقاه، ۱۳۹۰: ۶۳-۶۵)؛ پس تمرکز بر پایگاه جنسیتی زنان، تنها تغییر مواجهه با موضوع دسترسی به منابع آبی و کنشگری در سامانه فرهنگی وقف بر پایه واقعیتی مکنون، یعنی پایگاه جنسیتی زنان است. این سامانه پیامدی از آن نوع دسترسی برای این پایگاه اجتماعی فرودست در دوره قاجار بوده است.

پیشینه پژوهش

مطالعات انجام‌شده در حوزه منابع آبی با تکیه بر پایگاه جنسیتی زنان مانند «برابری جنسیتی و احاطه بر مدیریت منابع آبی» (گرن، ۲۰۱۷) و «جنسیت، کشاورزی و امنیت آب» (پارکر و همکاران، ۲۰۱۶) بر دشواری‌های دسترسی فیزیکی زنان به منابع آبی و نقش زنان در تأمین آب در برخی مناطق کم‌برخوردار جهان تأکید کرده است. مقاله‌ای با چشم‌انداز انسان‌شناسی به کمک مشاهدات حاصل از مردم‌نگاری به دو بعد اجتماعی دسترسی به آب میزان کافی آن پرداخته که با مطالعه دسترسی زنان به منابع آبی- موضوع پژوهش حاضر- بیشترین نزدیکی را دارد، اما هیچ‌گونه مالکیت زنانه به آب یا مدیریت منابع آبی توسط زنان را گزارش نکرده است و در نهایت بعد روانی- اجتماعی امنیت‌نداشتن آب را در جامعه زنان اتیوپی بنا به مشکلات دسترسی (دسترسی از بعد مسافت) به آب در ابعاد مصرفی و بهداشتی نتیجه‌گیری کرده است (استیونس و همکاران، ۲۰۱۷).

یکی از مقالات این حوزه با تنظیم و ارائه استدلال‌های مبتنی بر رویکرد جنسیتی در مدیریت منابع آب، مرور برنامه‌ها برای به‌دست‌آوردن و ترسیم آنچه از تجارب به‌دست آورده، شناسایی برخی کلیده‌های چالش‌ها و فرصت‌ها برای برابری مدیریت منابع آبی، پیشنهاد راهنمای منابع برای جریان اصلی جنسیت در مدیریت منابع آبی را اهداف تئوری خود دانسته است. این مقاله به سیاست بین‌المللی در سطح ساختار و تأکید بر تغییر دیدگاه روی نقش زنان در رابطه جنسیت و آب تأکید کرده است. این مطالعه اشاراتی به‌سختی دسترسی فیزیکی زنان به منابع آبی دارد و در همین راستا، توانمندسازی زنان و برابری جنسیتی و اجتماعی را

راهکاری برای دستیابی به کنترل زندگی زنان توسط خودشان دانسته است (اداره امور اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد، ۲۰۰۵).

مقاله دیگری در این حوزه، دستیابی به اهداف توسعه پایدار و مدیریت آب پایدار بدون کنشگری زنان را تحقق نیافتنی دانسته است. در این مقاله آمده است، زنان در بیشتر موارد علاوه بر اینکه در مقابل امنیت نداشتن آب آسیب پذیرتر از مردان هستند، بنا به محدودیت‌های ساختار به حاشیه رانده می‌شوند. شواهد احتمالی نشان می‌دهد، در لحظه‌های پرتنش که زمین و فرصت‌های معیشتی در معرض تهدید قرار گرفته‌اند، افراد قدرتمند جوامع با تمایل به استفاده از ساختارهای اجتماعی، زنان را کم‌قدرت‌تر یا محروم‌تر می‌کنند. هنجارهای اجتماعی پیرامون جنسیت در کنار سازه‌های دیگری که نابرابری را به وجود می‌آورد، باید بخش اساسی در اجرای سیاست‌ها و برنامه‌ها برای امنیت آب و تاب‌آوری جنسیتی در بحران آب و هوا داشته باشد (پارکر و همکاران، ۲۰۱۶).

اهداف مطالعات فوق در راستای شناسایی یا ایجاد برابری فرصت برای زنان در زمینه دسترسی آنان به منابع آبی است و نگارندگان این پژوهش تاکنون در میان منابع داخلی، مطالعه‌ای پیرامون دسترسی زنان به منابع آبی مشاهده نکرده‌اند. این پژوهش با هدف بینایی جنسیتی به پیامدهای دسترسی زنان به منابع آبی از طریق مطالعه یکی از تجربه‌های تاریخی- فرهنگی زنان، یعنی سامانه فرهنگی وقف پرداخته است تا ارتباط این کنشگران را با دسترسی به منابع آبی در رابطه با ساختار اجتماعی تحلیل کند. مرور مطالعات در حوزه وقف نشان می‌دهد، بیشترین مطالعات پیرامون وقف‌نامه‌هاست که از رسته اسناد معرف حساسیت ذهنی جامعه برای مدیریت نیازهای اجتماع هستند. پژوهش‌های این عرصه، بیشتر توصیفی- تاریخی هستند و تمرکز آن‌ها بر پایگاه جنسیتی زنان در مطالعات محدودی چون «زنان واقفه در تهران عهد قاجار» (ورنر، ۱۳۷۸) و «نهاد وقف، دگرگونی‌ها و کارکردهای فرهنگی، مذهبی آن در عصر صفویه» (احمدی، ۱۳۸۰) مشاهده می‌شود. هیچ‌کدام از این دسته پژوهش‌ها، متمرکز بر دسترسی زنان به منابع یا رقبات آبی^۱ یا متکی بر مفاهیم و نظریه‌های علوم اجتماعی نیستند.

مفاهیم

دسترسی

پیش از تعریف دسترسی باید یادآور شد که دارایی، منابع و حقوقی است که کنشگران اجتماعی در اصول دارند. دارایی منشأ دسترسی و بهره‌مندی از حق دسترسی است (زندرضوی، ۱۳۸۸:

۱. منابع آبی وقف‌شده

(۱۵)؛ یعنی ممکن است افراد دارایی یا مالکیت بر منبعی یا اموالی را داشته باشند، اما حق استفاده از آن دارایی و دخل و تصرف بر آن و اعمال تصمیم برای به‌کارگرفتن آن دارایی را به‌گونه‌ای که اراده می‌کنند، نداشته باشند. به عبارت دیگر دسترسی حقی برای فرد صاحب دارایی است؛ یعنی حقی است به هر آنچه کنشگران اجتماعی به‌واقع و در عمل [در مرحله بالاتر از سطح دارایی] به‌دست می‌آورند (همان).

دسترسی به منابع را قواعد، هنجارها و رویه‌هایی در قلمروهای نهادی‌شده مانند هنجارهای خانوادگی، مناسبات اجتماعی و غیره معین می‌کنند (کبیر، ۱۳۸۹: ۱۶) که در علوم اجتماعی ساختار نام دارد. دسترسی موقعیتی است که فرد می‌تواند در آن دست به عملی بزند و واقعیتی را تغییر داده یا کاری را در آن انجام دهد (برگر و لوکان، ۱۳۷۵: ۳۷). پیامد دسترسی به منابع برای فرد به‌عنوان کنشگر اجتماعی، دستاوردهای کارکردی‌ای را فراهم می‌کند (کبیر، ۱۳۸۹: ۱۸) که ممکن است برای منافع شخص یا ساختار اجتماعی یا هر دو به‌واسطه کنشگر استفاده شود؛ در نتیجه دسترسی حقی فراتر از دارایی است که قلمروهای نهادینه‌شده فرصت تصمیم‌گیری یا کنشگری را به شخص دارای اموال یا منابع می‌دهد. در پاسخ به پرسش اصلی و نیز سؤالات و اهداف پژوهش، مفاهیمی مانند پیوند ساختار و کنشگر (از نظریه ساختاربندی گیدنز) و نیز پاسخ به نیاز و ضرورت تام ساختار (ذیل ماهیت‌های چندگانه کارکردگرایی ساختاری) از مطالعه استقرایی داده‌ها در فرایند تحلیل استخراج شده‌اند که به شرح زیر هستند:

ساختار

فهم کنشگری انسان‌ها از منظر گیدنز در گرو درک ساختار است. وی معتقد است، ساختارها، مجموعه قوانین و منابعی هستند که در جوامع با یکدیگر هم‌پوشانی دارند و موجب فعالیت کنشگران هستند (حسینی سیرت، ۱۳۹۶: ۲۰۷) که می‌توان آن‌ها را در قالب جنسیت، قومیت، مذهب و قشربندی اجتماعی قرار داد (رحمانی و فرحزادی، ۱۳۹۴: ۱۸۹). این قواعد منطبق بر نظریه گیدنز، ساختاری اجتماعی شناخته می‌شوند که در این پژوهش ساختار، همان ساختار اجتماعی حاکم بر جامعه سنتی دوره قاجار با همه قواعد محدودکننده زنان برای کنشگری در عرصه عمومی است.

پیوند کنشگر و ساختار

گیدنز تمایز میان سطوح کنشگر و اجتماع یا خرد و کلان را سودمند نمی‌داند و بر این باور است که برتری عمل با تلفیق این دو سطح است. او در این باب، نظریه ساختاربندی را بدین‌گونه شرح می‌دهد: «پهنه اساسی بررسی علوم اجتماعی، بنا بر نظریه ساختاربندی، نه

تجربه کنشگر فردی است و نه وجود هر نوع جامعیت اجتماعی، آن عملکردهای اجتماعی است که در راستای زمان و مکان سامان می‌گیرند» (ریتزر، ۱۳۹۰: ۶۰۱). او در نظریه خود عملکردهای کنشگران را به گونه‌ای واگشتی سازمان می‌داند که نتیجه رابطه متقابل سطوح خرد و کلان است (ریتزر، ۱۳۹۰: ۶۰۴).

گیدنز در تبیین رابطه دیالکتیکی بین کنشگری فرد و ساختار، معتقد است کنش با تکرارش در زمان و مکان به نظام‌های اجتماعی ساختار می‌دهد (پارکر، ۱۳۸۶). وی این فرایند را در قالب «دوگانگی ساختار» که ساختار را محدودیتی برای کنش و نیز بازتولیدشده‌ای از کنش می‌داند، تحلیل کرده است (برای آگاهی بیشتر ر.ک: خلیلی ۱۳۹۶). بنا به همین مهم، وی رویکرد فرانظریه‌ای دارد و از تمایز و تقسیم کار در سطوح خرد و کلان یا کنشگر و ساختار پرهیز می‌کند و به پیوند این دو سطح در نظریه تلفیقی پرداخته است. گیدنز کنشگر را دارای توانایی دخل و تصرف در امور می‌داند (ریتزر، ۱۳۹۰: ۶۰۲) که ناشی از دسترسی وی به قدرت است. این قدرت نیز ناشی از دسترسی به منابع و موقعیت‌های اجتماعی است که بنا به اهمیت مفاهیم دارایی و دسترسی در این پژوهش، شرحی مختصر بر آن در بخش مفاهیم آمد.

نیاز

مفهوم نیاز در ماهیت سه‌گانه کارکردگرایی ساختاری بدین شرح آمده است:

۱. پاسخ به نیازهای فردی که تمرکز بر پاسخ به نیازهای بنیادین افراد را مدنظر قرار می‌دهد.
۲. پاسخ به نیازهای فیما بین: نیازهای حیطة روابط اجتماعی به‌ویژه مکانیسم‌هایی که برای سازگاری با فشارهای موجود در این روابط به‌کار برده می‌شوند و مانعی برای تمرکز یک‌سویه بر کنشگر یا ساختار است.
۳. نیازهای ساختارهای اجتماعی که تأکید بر ساختارهای اجتماعی و تأثیرشان بر کنشگران را در نظر دارد (ریتزر، ۱۳۹۰: ۱۲۰).

ضرورت

مالینوفسکی دو نوع ضرورت برای ایجاد شرایط تداوم در ساختار جامعه قائل است: ۱. ضرورت ابزاری: نظام اقتصادی، قوانین ابتدایی، آموزشی و غیره. ۲. ضرورت تام: جادوگری، مذهب، دانش، ارزش‌ها و اموری از این قبیل؛ برای مثال در زمینه رفتار انسانی، هر آنچه با دستورالعمل‌های فنی، عرفی، اخلاقی یا حقوقی در ارتباط باشد، باید در سطح اعمال به‌عنوان ضرورت، کدگذاری شود و پاسخ فرهنگی به آن کنترل اجتماعی است (سعیدی مدنی، ۱۳۸۶: ۲۸۹). در این پژوهش، اعمال کنشگران یا زنان واقفه در سامانه فرهنگی وقف و ساختار

اجتماعی گونه‌ای از ضرورت بوده و پاسخ فرهنگی به آن کنترلی است که قواعد سامانه وقف و نیز ساختار اجتماعی بر آن دارند. استناد به این رویکرد استقرایی از بستر داده‌ها، دلالت‌های دسترسی زنان به منابع آبی مشخص شده و پیامدهای این دسترسی در قالب مفاهیم مستخرج از داده‌ها تحلیل شده است.

روش پژوهش

اسناد، واحد مشاهده‌ای برای محقق کیفی هستند (محمدی، ۱۳۹۲: ۱۴۶). مبتنی بر این مهم، واحد مشاهده این تحقیق کیفی، اسناد دست اول تاریخی-وقف‌نامه‌ها و اسناد مکمل آن‌ها مانند وصیت‌نامه‌ها و مصالحه‌نامه‌ها هستند- که ماده فرهنگی مردم‌شناسی محسوب می‌شوند. این مواد فرهنگی در زمره اسناد شرعی و عرفی دوره قاجار و برآمده از مباحث فقهی و از دستاوردهای نظام اجتماعی، سیاسی حاکم و لازمه فعالیت‌ها و روابط روزمره انسانی نزد پژوهشگران این حوزه قلمداد می‌شوند (رضایی، ۱۳۹۰: ۳-۴). گردآوری داده‌های اسنادی این پژوهش، برگرفته از «دفتر ثبت موقوفات ایالت کرمان» است که پس از تمام‌شماری این دفتر ثبت، ۱۶۴ فقره سند مبتنی بر وجود هم‌زمان دو شاخص پایگاه جنسیتی زنان و نیز رقبات یا منابع آبی در این اسناد با نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. علاوه بر آن، بخشی از اسناد مکمل از مجموعه اسناد متولیان موقوفات، تجمیع و با نمونه‌گیری هدفمند، یازده برگ سند شبکه‌ای انتخاب شد که مکمل وقف‌نامه‌های منتخب هستند.

اسناد شبکه‌ای این مطالعه از دسته اسناد خانوادگی هستند. همه اسناد مذکور با نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و به‌عنوان داده‌های پژوهش استناد شدند. گردآوری داده‌ها در هر مرحله تا رسیدن به مرحله «شباع نظری» یا «کفایت مفهومی» استمرار یافته است. روش تحلیل داده‌های این مطالعه- با توجه به اهداف و سؤالات تحقیق- از روش‌های تحلیلی مناسب در پژوهش‌های کیفی است که به تحلیل محتوای تماتیک یا تحلیل مضمون شناخته می‌شود. این تحلیل به روش استقرایی بر پایه تحلیل محتوای مضمون برای شناخت مضامین مشهود و مکنون از متن داده‌ها و پاسخ به سؤالات پژوهش انجام شده است. اسناد منتخب ابتدا مورد بازخوانی قرار گرفت و پس از مرحله توصیف، داده‌هایشان براساس سؤالات و اهداف، طبقه‌بندی و کدها استخراج شدند. در مرحله بعد پس از مطالعه و دسته‌بندی کدها، مضامین شناخته و سپس مضامین مستخرج از اسناد مکمل، با مضامین مستخرج از وقف‌نامه‌ها شبکه شدند تا به مرحله بالاتر یعنی تحلیل مضامین وارد شوند.

داده‌های این پژوهش با بازخوانی اسناد منتخب آغاز و پس از بازخوانی اسناد، متون اسناد تایپ شد. بنا به فرسودگی برخی اسناد مطالعه‌شده، مشکلاتی مانند مبهم‌بودن خط،

جافتادگی برخی کلمات یا نامفهوم بودن معنای برخی واژگان یا عبارات با مراجعه به اسناد مشابه، منابع کتابخانه‌ای و نیز یاری گرفتن از آگاهان محلی، مرتفع شده و مجهولات باقی‌مانده با نوشتن کلمه [ناخوانا] در متن مشخص شد. سپس توصیف بخش‌هایی از یافته‌ها ضروری به نظر می‌رسید که در قالب زیرنویس توصیفات آورده شد. در این جستار براساس مراحل روش تحلیل مضمون، پس از مرحله توصیف، خط به خط یافته‌ها مجدد خوانده شد و داده‌ها یا مرجع مضمون‌های مشترک، رنگی (هایلایت) شدند تا از دیگر مراجع مضمونی مجزا شوند.

یافته‌ها یا مراجع مضمونی هم‌رنگ در جدول‌های مجزا قرار گرفتند و بدین شیوه مرحله اول تحلیل مضمون با استخراج کدها انجام شد. کدهای مشترک در هم ادغام و کدهای کم‌سامد مجزا شدند. کدهای مشترک در مرحله دوم در جدول‌های جدید قرار گرفتند و مجدد مطالعه شدند. مضمون‌ها یا مفهوم‌های اصلی، مبتنی بر سؤال و هدف پژوهش و نیز زمینه فرهنگی ساختار اجتماعی موردنظر از کدها استخراج شدند. درنهایت از مضمون‌های استخراجی، الگوهای مشابه و مفاهیم اصلی در بخش تحلیل ارائه شدند.

یافته‌های پژوهش

بخش زیادی از یافته‌های این پژوهش، مستخرج از وقف‌نامه‌هاست که در فرایند تحلیل به‌عنوان مرجع مضمون شناخته می‌شوند. برای شناخت این سامانه فرهنگی، نگاهی مختصر به آن نشان می‌دهد وقف از منظر مدنی و فقهی عقدی است که طبق آن مالک، مالش را از نقل و انتقال مصون می‌کند (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۳: ۲۵۲). لغت وقف در عربی، حبس کردن عین ملک و مصرف کردن منفعت موقوفه در راه خداست (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۶: ۲۰۵۳۵-۲۰۵۳۶)؛ پس وقف خود به‌مثابه یک ساختار، دارای مجموعه قوانینی برای تعیین شیوه بهره‌برداری از منافع و منابع اقتصادی است. احمدی (۱۳۸۰) دیرپایی سنت وقف را به نقل از برخی منابع تاریخی به تاریخ قبل از اسلام و در میان روحانیون زرتشتی و پادشاهان دوران ایران باستان منتسب دانسته است. این سنت، میراثی معنوی با ریشه‌های فرهنگی و مذهبی است که با پشتوانه اعتقادی و دور از مطالبات مبادله‌های مرسوم و با هدف داد و ستد مادی است.

منابع و اموالی که در این سامانه وقف می‌شوند، رقبات نام دارد. این منابع می‌توانند منقول یا غیرمنقول باشند. اموال منقول (قابل انتقال به محل دیگر) و غیرمنقول (غیرقابل انتقال به محل دیگر) در این سنت با زمان مشخص یا الی‌الابد از طریق نذر، وصیت یا وقف با صیغه وقف به شرایط وقف درمی‌آیند (رضایی ۱۳۹۰: ۷۷-۷۸). رکن دیگر موقوفات، تعیین متولی و شرایط تولیت است. متولی از ریشه «ولی» و در وقف به معنای سلطه برای اصلاح و بهره‌برداری از وقف

و انفاق درآمد آن در مسیر معین وقف است. به عبارت دیگر، تولیت، منصب ولایت مال موقوفه است که در لغت به معنای اداره کردن است (مصطفوی، ۱۳۹۶: ۶۵). متولی عاملی از سوی واقفه یا واقف برای مدیریت دارایی‌های وقف‌شده و عواید آن‌هاست. وی از حق دسترسی به این منابع، خارج از محل‌های تعیین‌شده برای مصارف رقبات که توسط واقفه یا واقف مشخص شده، محروم است. با تکیه بر شناخت این سامانه فرهنگی، پژوهش مردم‌شناختی حاضر با رویکرد تاریخی، بررسی پیامدهای دسترسی زنان به منابع آبی در ارتباط با ساختار اجتماعی را در این سامانه فرهنگی بررسی کرده است.

جدول ۱. استخراج کدها

کدها	مرجع مضمون
نیم‌دانگ از آب	نیم دانگ من جمله میاه باریکوئیه علیا و سفلی باغ سرآسیاب
یک جره از مدار آب	موازی یک جره ^۱ میاه قریه قنات‌غستان از شبانه‌روزی میرکمالی
دو دانگ از مجرای آب به شرح: یک دانگ از آب [ناخوانا]، نیم دانگ آب از عباس‌آباد و نیم دانگ آب از چاه وکیل‌آباد	دو دانگ منابع و مجاری المیاه ^۲ از مقسم باغ سر آسیاب به قرار تفضیل: یک دانگ ^۳ میاه [ناخوانا]، نیم‌دانگ میاه عباس‌آباد و نیم‌دانگ میاه چاه وکیل‌آباد
یک دانگ آب از مجرای آب بعلی‌آباد	یک دانگ میاه از مجری المیاه بعلی‌آباد باغ سرآسیاب
پنج دانگ از منابع و مجاری آب باغ عشق	پنج دانگ از منابع و مجاری المیاه باغ عشق مقسم باغ سرآسیاب
یک دانگ و یک طسوج از آب بعلی‌آباد	یک دانگ و یک طسوج ^۴ میاه از میاه بعلی‌آباد باغ سرآسیاب از مقسم ^۵ باغ عشق قریه مزبوره
پنج دانگ و نیم از هریک از دو حمام ^۶	به انضمام از دو حمام بزرگ و کوچک واقفه در محله شاه عادل از هر یک پنج دانگ و نیم تمام

۱. واحد زمان در تقسیم آب که از ۷/۵ تا ۱۱ دقیقه در شبانه‌روز متفاوت است (سمسار یزدی، ۱۳۸۹: ۱۴۸).

۲. محل جاری شدن آب؛ مجاری آب یا مجری‌المیاه در موقوفات فوق، قنات هستند.

۳. برابر یک‌دوازدهم هر سهم یا ۲۴ ساعت که مدت آن دو ساعت است (علیخانی، ۱۳۹۵: ۱۰۳).

۴. یک‌ششم از منبع آب (تاریخ شاهی قراخانیان، ۱۳۹۰: ۴۲۸).

۵. محل تقسیم آب که در قنات کرمان به مقسم معروف است.

۶. مالکان حمام‌ها مالکان سهم مشخصی از منابع آبی هم بوده‌اند.

جدول ۲. استخراج مضمون

مضمون مکنون (مفهوم اصلی)	کدها
دسترسی زنان به منبع آبی	نیم دانگ از آب
	یک جره از مدار آب
	دو دانگ از مجرای آب به شرح: یک دانگ از آب [ناخوانا]، نیم دانگ آب از عباس‌آباد و نیم‌دانگ آب از چاه وکیل‌آباد
	یک دانگ آب از مجرای آب بعلی‌آباد
	پنج دانگ از منابع و مجاری آب باغ عشق
	یک دانگ و یک طسوج از آب بعلی‌آباد
	پنج دانگ و نیم از هر یک از دو حمام ^۱

جدول ۳. استخراج کدها

کدها	مرجع مضمون
بعد از پرداخت هزینه‌های کشوری (مالیات) و پرداخت هزینه‌های منابع آبی (اعم از نفقه و حق تولیت و حق نظارت) در تصرف واقفه	بعد از مخارج ملکی و ملکی و تعمیرات لازمه و تعمیر آسیاب‌های وقفی اگر لازم باشد بنمایند، بقیه عایدات را دو نصف نمایند. دو خمس را متولی حق‌التولیه بردارد و یک خمس را حق‌النظاره
	بعد از مخارج ملکی و ملکی و عواید چهار طشته را به جهت حق‌التولیت صرف معیشت خود نمایند.
	بعد از وضع مخارج ملکی و ملکی و یک عشر حق‌التولیت
	بعد از وضع مخارج ملکی و ملکی و یک عشر حق‌التولیت
	بعد از وضع مخارج ملکی و ملکی بقیه را بر پنج خمس فرض کند یک خمس را متولی حق‌التولیت بردارد.
	بعد از وضع مخارج ملکی و ملکی، وضع مایلزم اخراجه از مالیات و نفقه و باقی عوائد را متولی به جهت حق‌التولیت خود بردارد و زمانی که تولیت به مباشر مسجد جامع برسد یک عشر را به جهت حق‌التولیت خود بردارند.
	بعد از وضع مخارج ملکی و ملکی مادام که خود واقفه متولی است و تتمه عواید را به عوض حق‌التولیت متصرف شود و زمانی که تولیت به اولاد واقفه رسد بعد از وضع مخارج ملکی و ملکی و تتمه را عوض حق‌التولیت متصرف یک ثلث را متولی عوض حق‌التولیت متصرف
	بعد از مخارج ملکی و ملکی خود واقفه به‌عنوان حق‌التولیت تصرف و صرف نماید و هرگاه تولیت به خواجه محمدحکیم رسد به قرار فوق عمل نماید و زمانی که تولیت به اولاد واقفه منتقل شود بعد از وضع و پرداخت، سه هزار من گندم مذکور فوق را فی‌مابین خود و سایر اولادالذکور مشی حظاًالانشین قسمت نمایند.
	وضع مایلزم اخراجه از مالیات و نفقه
	بعد از پرداخت مالیات و نفقه منابع آبی در دسترس واقفه

۱. مالکان حمام‌ها مالکان سهم مشخصی از منابع آبی هم بوده‌اند.

جدول ۴. استخراج مضمون

مضمون آشکار - مضمون مکنون	کدها
۱. پاسخ به نیازهای ساختار اجتماعی ۲. دسترسی زنان به منابع آبی	بعد از پرداخت هزینه‌های کشوری (مالیات) و پرداخت هزینه‌های منابع آبی (اعم از نفقه و حق تولیت و حق نظارت) در تصرف واقفه
	بعد از پرداخت هزینه‌های کشوری (مالیات) و پرداخت هزینه‌های منابع آبی (اعم از نفقه و حق تولیت و حق نظارت) در تصرف واقفه
	بعد از پرداخت هزینه‌های کشوری (مالیات) و پرداخت هزینه‌های منابع آبی (اعم از نفقه و حق تولیت و حق نظارت) در تصرف واقفه
	بعد از پرداخت هزینه‌های کشوری (مالیات) و پرداخت هزینه‌های منابع آبی (اعم از نفقه و حق تولیت و حق نظارت) در تصرف واقفه

جدول ۵. استخراج کدها

کدها	مرجع مضمون
فرزند پسر از سوی واقفه منبع آبی، متولی موقوفه است و در صورت انقراض فرزند ذکور از نسلش، تولیت با فرزندان دختر خواهد بود.	بعد از فوت مفوض است به آقا ملارضا فرزندزاده واقفه و بعد به اولاد ذکور متولی مزبور به شرط صلاح و رشد و با عدم ذکور به ذکور از انث و شرط است که هر متولی، متولی بعد از خودش را معین نماید.
فرزند پسر از سوی واقفه منبع آبی، متولی موقوفه است و در صورت انقراض فرزند ذکور از نسلش، تولیت با فرزندان دختر خواهد بود.	و تولیت سه دانگ که وقف بر اولاد واقفه است مفوض است به اولاد ذکور واقفه، هر کدام که به صفت رشد و صلاح و امانت و دیانت موصوف باشند و با انقراض اولاد ذکور متولی و ناظر مفوض است به اولاد انث آن‌ها به شرط رشد و دیانت
انتقال تولیت به فرزند ذکور (پسر) از سوی واقفه منبع آبی	تولیت مفوض است به آقا شیخ علی ولد آقا شیخ حسن و بعد هر کس را که آن‌ها معین نموده باشند و همیشه تعیین متولی‌الاحق با متولی سابق است.
انتقال تولیت به نخست‌زادگان ذکور (پسر بزرگ‌تر) و در صورت نبود پسر به بزرگ‌ترین فرزند دختر	تولیت مفوض است به آقا میرزا امین‌الله فرزند واقفه و بعد از آن‌ها مفوض است به اکبر اولاد ذکور از انث و با عدم آن به کبری از انث و با انقراض اولاد مزبور مفوض است به اولاد واقفه و با انقراض آن‌ها مفوض است به اعلم علماء اثنی عشری
متولی موقوفه از اولاد ذکور که با شرط اهلیت همراه است.	بر فرض که تولیت هم با او بوده، بعد از آنکه اولاد ذکور واقفه منحصر باشد به یک طفل صغیری و عالیجاه حاجی نصراله‌خان، چون واقفه موقوفه مرقومه، اهلیت ^۱ را شرط نموده‌اند؛ لذا راجع می‌شود تولیت اعیان و رقبات موقوفه مزبوره حاج نصراله‌خان و اختصاص به مشارالیه داده! و آقا سید محمد علی مرقوم، ابدأ حق مزاحمت حاج نصراله‌خان، متولی شرعی موقوفه مرقومه را ندارد و مقتضی اسناد معتبره ملحوظه لهذا؛ احدی را به هیچ وجه من‌الوجه غیر از حاجی نصراله مذکور، حق مداخله و تصرفی در موقوفه مرقومه نبوده

۱. سزاوار و شایسته‌بودن (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۸: ۵۲۹)

ادامه جدول ۵. استخراج کدها

کدها	مرجع مضمون
کنشگری زنان در موقعیت ناظر در شرایط دسترسی به منبع آبی	تولیت دو دانگ که برای مصرف تعزیه‌داری است، مفوض است به آخوند ملاحسن و نظارت به خود واقفه و تعیین متولی و ناظرالاحق با متولی و ناظر سابق است.
کنشگری زنان در موقعیت متولی در شرایط دسترسی به منبع آبی	تولیت مادام‌الحیات به خود واقفه و بعد از فوت مفوض است به آقا ملارضا فرزندزاده واقفه و بعد به اولاد ذکور متولی مزبور به شرط صلاح و رشد و با عدم ذکور به ذکور از اناث و شرط است که هر متولی، متولی بعد از خودش را معین نماید.

جدول ۶. استخراج مضمون

مضمون (مفهوم اصلی)	کدها
عملکرد کنشگر واگشتی از ساختار اجتماعی	فرزند پسر از سوی واقفه منبع آبی، متولی موقوفه است و در صورت انقراض فرزند ذکور از نسلش، تولیت با فرزندان دختر خواهد بود.
	فرزند پسر از سوی واقفه منبع آبی، متولی موقوفه است و در صورت انقراض فرزند ذکور از نسلش، تولیت با فرزندان دختر خواهد بود.
	انتقال تولیت به فرزند ذکور (پسر) از سوی واقفه منبع آبی
	پرداخت از عواید منابع آبی به افراد ساکن در مدرسه نه به کنشگران نهاد آموزش، هر چند این مدرسه را عمومی واقفه احداث کرده است.
	انتقال تولیت به نخست‌زادگان ذکور (پسر بزرگ‌تر) و در صورت نبود پسر به بزرگ‌ترین فرزند دختر
	کنشگری زنان در موقعیت متولی در شرایط دسترسی به منبع آبی
	کنشگری زنان در موقعیت ناظر در شرایط دسترسی به منبع آبی
	کنشگری زنان در موقعیت متولی در شرایط دسترسی به منبع آبی

جدول ۷. استخراج کدها

کدها	مرجع مضمون
وقف خاص یا وقف معین برای یک فرد مشخص	شرط نمود عالییه مزبوره که از تاریخ تحریر، همه ساله، سالی مبلغ پنج تومان تا زمان بقا و حیات حاجیه بی‌بی‌آمنه بیگم، صبییه مرحوم آقا سید محسن، همشیره‌زاده ^۱ عالییه، بدهند و وقتی که فوت نمود مقطوع نمایند.
وقف اولاد یا تقسیم بخشی از درآمد منابع وقف‌شده بین فرزندان واقفه	زمانی که تولیت به اولاد واقفه منتقل شود، بعد از وضع و پرداخت سه هزار من گندم [مذکور فوق] را فی‌مابین خود و سایر اولاد الذکور مشی حظاً‌الانثیین ^۱ قسمت نمایند.

ادامه جدول ۷. استخراج کدها

کدها	مرجع مضمون
پرداخت پول به فقیران و نیازمندان	بقیه را به صواب‌دید عالم به فقرا و مستحقین اثنی‌عشری برسانند.
پرداخت پول برای انجام- اعمال عبادی واجب بر واقفه- روزه، نماز و حج توسط شخصی دیگر	همه ساله مقداری که صلاح دانند، شخصی را اجیر نمایند که صوم و صلوات به جا آورده و نیز حج میقاتی ^۲ استیجار نمایند.
پرداخت پول برای اجرای مراسم تدفین و مناسک پس از فوت زن واقفه	چهار خمس باقی را بعد از فوت عالییه و تجهیز و تکفین و مراسم فاتحه و قاری و هفتم و خیرات لیالی جمعه در غیاب و قربانی و عاشوری تا سه سال معمول دارند.
پرداخت پول به نیازمندان و زائران امامان شیعه	ثلث دیگر را به فقرا و مساکین و زوار ائمه اطهار صرف نمایند.

جدول ۸. استخراج مضمون

مضمون (مفهوم اصلی)	کدها
پاسخ به نیازهای فردی و افراد	وقف خاص یا وقف معین برای یک شخص
	وقف اولاد یا تقسیم بخشی از درآمد منابع وقف‌شده بین فرزندان واقفه (اشخاص)
	پرداخت پول به فقیران و نیازمندان
	پرداخت پول برای انجام اعمال عبادی واجب بر واقفه- روزه، نماز و حج توسط شخصی دیگر
	پرداخت پول برای اجرای مراسم تدفین و مناسک پس از فوت زن واقفه
	پرداخت پول به نیازمندان و زائران امامان شیعه

جدول ۹. استخراج کدها

کدها	مرجع مضمون
نام‌باوری زن واقفه منبع آبی	موقوفه مریم‌بیگم
نام‌باوری زن واقفه منبع آبی	موقوفه خیرالنساء
نام‌باوری زن واقفه منبع آبی	موقوفه بی‌بی ملکه
نام‌باوری زن واقفه منبع آبی	موقوفه حاجیه آسیه‌بیگم
نام‌باوری زن واقفه منبع آبی	موقوفه شهربانو خانم

۱. سهمیه دو دختر برای هر پسر

۲. حجبی که پس از فوت وافی به نیابت از وی انجام می‌شود.

جدول ۱۰. استخراج مضمون

مضمون (مفهوم اصلی)	کدها
پاسخ به نیازهای فی مابینی	نام‌باوری زن واقفه منبع آبی
	نام‌باوری زن واقفه منبع آبی
	نام‌باوری زن واقفه منبع آبی
	نام‌باوری زن واقفه منبع آبی
	نام‌باوری زن واقفه منبع آبی

جدول ۱۱. استخراج کدها

کدها	مرجع مضمون
دسترسی به منابع و دارایی‌ها لطف خدا به مالکان منابع است و بخشش نکردن دارایی‌ها به دیگر افراد، شرم‌آور است.	بر اصحاب ثروت و ارباب مکنت که خداوند عزوجل به تفضیلات خود منت بر آن‌ها نهاده و بسط ید داده، آزر است که از اموال خود قدری معین را غنیمت شمارد، ذخیره کرده تا وبال آن بر وی و بال برای دیگران باشد.
پایداری عمل به دلیل جلب رضایت خدا (دیگری قدسی) و فراهم آوردن توشه برای دنیای دیگر است.	استحکام افعال و اعمال، خصوص آنچه سبب رضای خدا و رسول (ص) و موجب ذکر خیر و زاد معاد و باقیات‌الصالحات باشد.
نظم و ترتیب دادن بخشیدن به کارهای دنیایی و اخروی هر دو نشانه عقلانیت و آگاهی انسان است.	باعث نگارش این رقیمة کریمه آن است که عاقلان فرزانه و کاملان زمانه، همواره اوقات درصدد انتظام و اتساق امور دین و دنیای خویش‌اند.

جدول ۱۲. استخراج مضمون

مضمون (مفهوم اصلی)	کدها
کنش منطبق بر ضرورت‌های بنیادین ساختار	دسترسی به منابع و دارایی‌ها لطف خدا به مالکان منابع است و بخشش نکردن دارایی‌ها به دیگر افراد، شرم‌آور است.
	پایداری عمل به دلیل جلب رضایت خدا (دیگری قدسی) و فراهم آوردن توشه برای دنیای دیگر است.
	نظم و ترتیب دادن به کارهای دنیایی و اخروی هر دو نشانه عقلانیت و آگاهی انسان است.

جدول ۱۳. استخراج کدها

موضوع	کدها
عواید یک طاق از موقوفه مزبوره، صرف تعمیر حسینیه و تعزیه‌داری از درآمد حاصل از یک طاق از موقوفه آبی	تعزیه‌داری نمایند.
هر ساله مبلغ پنج هزار دینار از قرار فروشی یک هزار دینار، وضع گوسفندی خریداری نموده در عید اضحی به جهت قربانی نمایند و باقی را در روز هجدهم ذیحجه، عید غدیر مهمانی نمایند.	مشخص کردن هزینه‌کرد از بخشی از درآمد منابع آبی وقف‌شده برای عید قربان و غدیر
یک نصف را محض تعزیه‌داری حضرت سیدالشهداء نمایند.	هزینه‌کردن از عواید منابع آبی وقفی برای تعزیه‌داری
دو خمس دیگر، چنانچه خرید اسباب تعزیه‌داری	خرید وسایل موردنیاز تعزیه‌داری
دو خمس دیگر، چنانچه خرید اسباب تعزیه‌داری	خرید وسایل موردنیاز تعزیه‌داری
و یک ثلث را خرج تعزیه‌داری	پرداخت هزینه تعزیه‌داری
در شب عاشورا در آستانه متبرکه حضرت بی‌بی حیات صرف تعزیه‌داری و آب و آش نمایند.	هزینه‌کردن برای تعزیه‌داری و تقسیم آب و آش بین عزاداران شب عاشورا (آیین مذهبی)
مادام که از اولاد واقفه، متولی باشد همه باید دو من نیم روغن چراغ جهت روشنایی مسجد جامع مظفری کرمان بدهند و باقی را به جهت روشنایی مسجد جامع بپردازند.	خرج کردن برای روشنایی مسجد جامع شهر
هر ساله عواید چهار خمس را بعد از اعمال مذکور فوق در ماه رمضان و اطعام مسلمین در ماه ذیحجه در عید غدیر نمایند.	خرج کردن برای روشنایی مسجد جامع
و زمانی که تولیت به خواجه ابوالقاسم و اولاد آن‌ها و علما رسد بعد از وضع اخراجات و اخراج مبلغی پول برای عیدین کبیرین	پرداخت پول برای آیین‌ها و مناسک ماه رمضان و عید غدیر
	پرداخت بخشی از درآمد منابع آبی برای عید غدیر و عید قربان

جدول ۱۴. استخراج مضمون

مضمون (مفهوم اصلی)	کدها
کنش براساس ضرورت تام نهاد دین (بخشی از ساختار اجتماعی)	تعزیه حسینیه و تعزیه‌داری از درآمد حاصل از یک طاق از موقوفه آبی
	مشخص کردن هزینه‌کرد از بخشی از درآمد منابع آبی وقف‌شده برای عید قربان و غدیر
	هزینه‌کردن از عواید منابع آبی وقفی برای تعزیه‌داری
	خرید وسایل موردنیاز تعزیه‌داری
	خرید وسایل موردنیاز تعزیه‌داری
	پرداخت هزینه تعزیه‌داری
	هزینه‌کردن برای تعزیه‌داری و تقسیم آب و آش بین عزاداران شب عاشورا (آیین مذهبی)
	خرج کردن برای روشنایی مسجد جامع شهر
	خرج کردن برای روشنایی مسجد جامع
	پرداخت پول برای آیین‌ها و مناسک ماه رمضان و عید غدیر
پرداخت بخشی از درآمد منابع آبی برای عید غدیر و عید قربان	

بخشی از یافته‌های این پژوهش در بخش مرجع مضمونی جدول‌های فوق به‌عنوان نمونه آورده شده‌اند که علاوه بر داده‌های وقف‌نامه‌ها، حاصل اسناد شبکه‌ای نیز هستند که در بخش گردآوری به آن‌ها اشاره شده است. این یافته‌ها در فرایند تحلیل مضمون به‌صورت مکمل یافته‌های وقف‌نامه چینش شدند و درنهایت کدهای مستخرج از کل یافته‌ها و سپس مضامین اصلی مشاهده شد. درنهایت برای تحلیل، مضامین اصلی در دو بخش دلالت‌ها و پیامدها طبقه‌بندی شدند.

تحلیل یافته‌ها

دلالت‌های وقف‌نامه‌ها بر دسترسی زنان به منابع آبی

همان‌گونه که در جدول ۱ مشاهده شد، بخشی از رقبات^۱ یا منابعی که توسط زنان در دوره قاجار وقف شده‌اند، منابع آبی هستند. تشخیص این منابع در قالب کدهای استخراجی، گاه به‌صورت آشکار مانند آب یا میاه، مجاری‌المیاه و گاه به‌صورت مکنون و از واحدهایی که برای این منابع است، صورت گرفت؛ مانند «موازی یک جرّه میاه»، «مجاری‌المیاه یک دانگ میاه»، «یک طسوج میاه»، «از مقسم ...». استخراج این کدها در جدول ۲ مضمون «دسترسی زنان به منابع آبی» یعنی بهره‌مندی آنان از حق تصمیم‌گیری بر آنچه به‌عنوان منبع آبی در دایره‌داری و مالکیت آن‌هاست، دلالت می‌کند. زنان به‌عنوان کنشگرانی با دسترسی به منابع آبی تصمیم گرفته‌اند از این منابع در سامانه فرهنگی وقف به‌عنوان یکی از نهادهای با پشتوانه دینی و بر پایه جهان‌بینی خود استفاده کنند که مفاهیم اصلی حاصل از پیامدهای این سطح دسترسی در تحلیل مضمون یافته‌ها نیز استخراج شد.

پیامدهای دسترسی زنان به منابع آبی

دسترسی زنان به منابع آبی، فرصتی برای کنشگری آنان از طریق سامانه فرهنگی وقف در ساختار اجتماعی فراهم کرده است. پیامدهای این نوع دسترسی با خوانش اسناد و جداسازی یافته‌ها و استخراج کدها و سپس مضمون‌ها یا همان مفاهیم اصلی در جدول‌های شماره ۳ تا ۱۴ طبقه‌بندی و مشاهده شده است. مصارف معین‌شده برای منابع آبی در نهاد وقف، صورتی دوسویه از توان کنشگر در تحقق تصمیم و اراده خود در راستای بهره‌مندی از حق دسترسی به این منابع و نیز تحمیل قواعد و هنجارهای ساختار اجتماعی بر کنشگران این پایگاه جنسیتی، هر دو را دارد که در قالب مضامین مستخرج از داده‌های این پژوهش شناسایی شده‌اند. این

۱. رقبات جمع رقبه است که به اموال غیرمنقول (غیرقابل نقل و انتقال) گفته می‌شود.

مضامین را می‌توان پیامدهای دسترسی بخشی از زنان به منابع آبی در آن دوره تاریخی در قلمرو مورد نظر دانست و در اقسام ذیل طبقه‌بندی کرد:

۱. پاسخ به نیازهای ساختار اجتماعی

با توجه به جدول ۳، نخستین محل مصرف درآمد حاصل از منابع آبی با عنوان «وضع مخارج ملکی و ملکی» یا «وضع مایلزم اخراج از مالیات و نفقه» در سامانه وقف مشخص شده است. منظور از مخارج ملکی پرداخت عوارض و مالیات کشوری و ایالتی است که قاعده‌ای تعیین شده از سوی ساختار اجتماعی است؛ درحالی‌که مخارج ملکی، مبتنی بر معنای ملک یعنی آنچه در قبضه و تصرف شخص است (عمید، ۱۳۶۳: ۱۱۱۸)، تأمین هزینه نگهداری و رسیدگی به منابع آبی را با عنوان نفقه براساس هنجارهای موجود در ساختار اجتماعی معیشت قناتی اشاره می‌کند؛ بنابراین قواعد و هنجارهای ساختار اجتماعی واضح بخشی از شرایط کنشگری زنان در سامانه فرهنگی وقف منابع آبی هستند؛ پس می‌توان نتیجه گرفت که زنان این ساختار معیشتی، در درجه نخست در موقعیت واقفان منابع آبی، پیوندشان با ساختار اجتماعی را با اولویت‌دادن به تأمین مخارج ملکی و ملکی حفظ کرده‌اند.

۲. پاسخ به نیازهای فردی و افراد

براساس یافته‌های این پژوهش، زنان واقف منابع آبی موقوفاتشان را در دو سطح «خویشان» و «دیگران» به اولاد و فرزندان و یا ایتام، سادات و نیز زوار اماکن مقدس تخصیص داده‌اند. آنان به‌مثابه کنشگران اجتماعی-فرهنگی، در برخی موارد شناسایی افراد نیازمند جامعه هدف را منوط به تشخیص عالمان محلی قرار داده‌اند. کنشگران این عرصه با استفاده از حق دسترسی خود به منابع آبی در این سامانه فرهنگی، نه‌تنها در راستای پاسخ به نیاز افراد جامعه، بلکه براساس جهان‌بینی‌شان برای پاسخ به نیاز اخروی خود نیز بهره برده‌اند که در بخشی از کدهای جدول ۷ و ۸ به صورت «پرداخت پول برای انجام اعمال عبادی واجب بر واقفه (روزه، نماز و حج) توسط شخصی دیگر» مشاهده می‌شود.

۳. پاسخ به نیازهای فی‌مابینی: سازوکاری^۱ جبرانی در پیوند کنشگر و ساختار

پژوهشگران تاریخ بر این باورند که در دوره قاجار، نام زنان در فضاهای عمومی مطرح نمی‌شد (پولاک، ۱۳۸۶: ۱۵۷)؛ بنابراین منابع تاریخی و آماری قاجار، گواه حضور اندک نام و نشان دختران و زنان در مطالعات و منابع آماری و به‌ویژه فعالیت‌های اقتصادی هستند (ورنر، ۱۳۷۸:

۱. مکانیسمی

(۱۱۶): درحالی که داده‌های این پژوهش، نامداری زنان در دارای دسترسی به منابع آبی را با اسامی «مریم‌بیگم»، «حاجیه‌خانومی»، «فاطمه کهنی»، «بی‌بی‌نساء»، «حاجیه آسیه‌بیگم»، «خانمی»، «خیرالنساء»، «بی‌بی‌ملکه»، «شرف‌نساء»، «شهربانو خانم»، «نرجس خاتون» و غیره در سامانه وقف نشان می‌دهند. جدول‌های ۹ و ۱۰، دلالت بر نام‌باوری کنشگران این پایگاه جنسیتی در سامانه فرهنگی وقف، به‌مثابه پیامد دسترسی زنان به منابع آبی دارند. مسمابودن موقوفات به نام خود زنان واقفه، فارغ از «فرهنگ تفکیک جنسیتی» حاکم بر ساختار آن دوره تاریخی، مانعی بر تمرکز یک سویه ساختار بر کنشگر و نیز گواهی بر مضمون «پاسخ به نیازهای فی‌مابینی» است.

علاوه بر آنچه در جدول‌های موجود در بخش یافته‌ها آمده است، باید یادآور شد که درج مهر در ذیل برخی اسناد مورد مطالعه، بر کنشگری این زنان در فعالیت‌های اقتصادی زنان آن دوره تاریخی دلالت دارد. این مهرها در اسنادی که زنان از منابع آبی بیشتری برخوردار بوده‌اند، مشاهده شد که خود دال بر فرادستی پایگاه اجتماعی و اقتصادی این گروه از زنان در آن ساختار اجتماعی است.

• کنش منطبق بر ضرورت‌های بنیادین ساختار؛ ضرورت تام، پیوندگاه کنشگر و ساختار

یافته‌های حاصل از اسناد شبکه‌ای، دلالت بر نشئت‌گرفتن کنش زنان از بن‌مایه‌های ارزشی و مذهبی دارد که در قالب مفهوم «ضرورت تام» تعریف شد. جدول‌های ۱۱ و ۱۲ در بخش یافته‌ها، مضمون «ضرورت تام» در نهاد دین که بر ساخته‌ای از ارزش‌ها و دستورالعمل‌های دینی است، نشان می‌دهد که این امر کنترلی اجتماعی بر کنشگران دارای «دسترسی به منابع» (منافع حاصل از دارایی‌شان) است و درنهایت موجب «پیوند کنشگران با ساختار» اجتماعی نیز می‌شود.

جدول‌های ۱۳ و ۱۴ در این جستار گواهی بر آن بخش از یافته‌ها و کدهای استخراجی از آن‌ها دارند که به کنشگری این گروه از زنان برای پایداری آیین‌های مذهبی اشاره دارند. زنان واقفه مبتنی بر «ضرورت تام» نهاد دین از حق «دسترسی به منابع آبی» در سامان‌دهی حیات فرهنگی و مذهبی و تداوم این سامانه فرهنگی مبتنی بر سلیقه زنانه خود استفاده کرده‌اند؛ مانند «خرج عزاداری حضرت سیدالشهدا» یا «به مصرف آب و آش و روضه‌خوانی و اجرت ذاکرین» و مقررکردن اقلام پذیرایی مانند «قلیان و تعزیه‌داری حضرت سیدالشهدا» یا تهیه لوازم و تجهیزات در قالب ساخت، تعمیر، تجهیز (روشنایی و خرید لوازم پذیرایی، قالی و...) و آبادانی امکان‌مذهبی: «باید دو من نیم، روغن چراغ جهت روشنایی مسجد جامع مظفری

کرمان بدهند»، «به جهت تعمیر حسینیه و خانه وقفی» یا اماکنی مانند آسیاب‌ها. زنان در تعیین قلمرو مکانی و زمانی آیین‌ها مانند «در خانه خود واقفه» یا «در عید اضحی به جهت قربانی»، «در روز هجدهم ذیحجه عید غدیر مهمانی نمایید»، «در ایام محرم مابین باغ سرآسیاب» یا «تکیه پایین حسینیه»، «در ایام محرم مابین باغ سرآسیاب» نیز مداخله‌ای آشکار در چگونگی برگزاری ضیافت‌ها و آیین‌های قدسی آن ساختار اجتماعی کرده‌اند. پیوند این کنشگران با ساختار در بستر ضرورت تام ساختار اجتماعی یعنی نهاد دین و پاسخ‌گویی به نیاز بنیادین آن به استمرار مناسک و آیین‌ها و پاسخ به نیاز معنوی فردی کنشگر، هر دو مشهود است و این رابطه را به رابطه‌ای دوسویه میان کنشگر و ساختار مبدل کرده است.

این گروه از زنان از دارای «دسترسی به منابع آبی» سهمی مؤثر در بازتولید چرخه جهان‌بینی، ارزش‌ها و نگرش‌های فرهنگی و مذهبی خود و تقویت مناسک و آیین‌های دینی مانند مراسم سوگواری و تعزیه‌داری داشته و با پشتیبانی از «تعزیه‌داری به مفهوم یک هنر نمایشی که بسیار مدیون وقف است» مناسک مذهبی ساخت دین را تداوم بخشیده‌اند (عنصری، ۱۳۷۲: ۳۹). همچنان که پیش از این نیز مشاهده شد، آنان دستیابی به سعادت و رستگاری را بیش از لذت دنیوی در تجمیع منابع مادی مدنظر داشته و از این‌رو با وقف اموال خود، سبک‌بالی و فراغت روح را گامی برای رستگاری و ارتقای مرتبت و دستیابی به تقدس دانسته‌اند. این عملکرد کنشگران مزبور، نتیجه رابطه متقابل با ساختار است. به عبارت دیگر می‌توان گفت عملکرد این کنشگران، واگشتی از ساختار بوده و به پیوند سطوح خرد (کنشگران) و کلان (ساختار) منتج شده است.

۴. عملکرد کنشگران گونه‌ای از واگشتی ساختار

علاوه بر آنچه در مطلب فوق بدان اشاره شد، جدول‌های ۵ و ۶ نیز بر مضمون «عملکرد کنشگر واگشتی از ساختار اجتماعی» دلالت دارند. آنچه به‌عنوان کد از بخشی از مرجع مضمونی استخراج شده، عبارت «کنشگری زن در موقعیت متولی در شرایط دسترسی به منبع آبی» است. این کد نشان می‌دهد زنان درحالی که منابع آبی دارایی آن‌ها باشد و از حق دسترسی به این منابع برخوردار باشند، می‌توانند به‌عنوان یک کنشگر در ساختار اجتماعی در موقعیت متولی یا ناظر قرار گیرند؛ درحالی که زنان بدون «دسترسی به منابع آبی» براساس موازین ساختار اجتماعی پس از اولاد ذکور یا فرزندان پسر، شرایط قرارگرفتن در موقعیت متولی یا ناظر را می‌یابند که این نیز مؤید عملکرد زنان کنشگر در قالب واگشتی از ساختار است.

۴-۱- محدودیت دسترسی زنان؛ محرومیت ساختار

این مرجع مضمونی «و نیز زمانی که تولیت به اقربا برسد بعد از پرداخت سه هزار من گندم به سکنه مدرسهٔ اکبریه بقیه را میانهٔ خود و اولادان خواجه محمداکبر و خواجه محمدحکیم تقسیم نمایند و از حاصل یک دانگ و نیم سعادت‌آباد که بعداً در حاشیهٔ وقف‌نامه ضمیمه نموده هر ساله مقدار هفتصد من گندم به شرح فوق به سکنه مدرسه مزبور تسلیم و باقی را به قرار مشروط فوق معمول دارند» دلالت بر آن دارد که عموی واقفه مدرسه‌ای بنا کرده است و حال این کنشگر زن مصرف موقوفه یا منابع آبی را برای ساکنان آن مدرسه که افرادی نیازمند هستند، قرار داده و هیچ اشاره‌ای در تمامی وقف‌نامه‌های مشاهده‌شده مبتنی بر مشارکت زنان در حوزهٔ علم‌آموزی در این ساختار اجتماعی نشده است؛ به جز یک مورد که زن با همسرش به‌صورت مشارکتی سهمی از منابع آبی در دست‌رسانان را وقف کرده بودند. این کمبود وقف در حوزهٔ دانش، گواهی بر محرومیت زنان در دوران قاجار از فضاهای آموزشی یا کم‌اعتنایی ساختار معیشت‌قناتی به تحصیل و ترویج دانش است (لباف خانیکی، ۱۳۸۵: ۲۵). به عبارت دیگر تأثیر محدودیت ساختار بر کنشگری زنان در بخش دانش‌اندوزی در ساختار اجتماعی را روایت می‌کند. همان‌گونه که در مرجع مضمونی و نیز در جدول ۵ مشاهده شد، محدودیت ساختار برای زنان، کنش محدود زنان به‌عنوان واقفان در تعیین مصارف موقوفات آبی در آن برههٔ تاریخی را بیان می‌کند و بدین‌ترتیب گونه‌ای دیگر از «واگشتی بودن عملکرد کنشگر از ساختار» را نمایش می‌دهد.

۴-۲- تکرار کنش و انتظام یک ساختار

در این مطالعه مشاهده شد قشر زنان واقفه در زمان حیاتشان خود متولی موقوفاتشان بوده‌اند و ناظر، وکیل یا کارگزار مذکری را در کنار خود انتخاب نکرده‌اند. جدول‌های ۵ و ۶ در مرجع مضمونی عبارات دلالت‌گری مانند «تولیت مادام حیات به خود واقفه» را دارند، اما این زنان واقف مبتنی بر اصول ساختار اجتماعی، سلسله‌مراتب متولیان برای دوران پس از حیاتشان و نیز ناظران متولیان بعد از خود را چنین مکتوب کرده‌اند: «تولیت مادام حیات به خود واقفه و بعد از فوت مفوض است به اصلح و اتقی اولاد ذکور واقف، نسلماً بعد نسل و با انقراض اولاد ذکور واقف، مفوض است به اصلح و اتقای اولاد ذکور مشهدی حسن زوج واقفه و با عدم ذکور به ذکور از اناث اولاد هر دو طبقه هرکدام که صلاح و تقوی آنها زیاده‌تر باشد مفوض است». تفکیک مراتب انتقال تولیت براساس ملاک‌های گزینش متولی توسط زنان واقفه در این موقوفات به دو گونه است:

- تولیت با خود واقفان تا زمان حیات، سپس انتقال به نخست‌زادگان مذکر (اولاد ذکور اکبر یا اکبر اولاد ذکور)، مرحلهٔ بعد انتقال به اولاد ذکور ارشد که حائز ملاک برتری اصلح و اتقا،

موصوف به صفت رشد و صلاح و امانت و دیانت، انتقال در مرتبه بعد به اولاد ذکور از ذکور، حاکم شرع، امام جمعه یا افراد محلی شایسته. در این‌گونه انتقال تولیت، پایگاه جنسیتی فرزند واقفه که مذکر باشد و نخست‌زاده بودن وی، یعنی فرزند ارشد مذکر باشد، شرط اصلی تولیت است.

- مسیر دیگر تولیت خاندان واقفه پس از نخست‌زاده مذکر با عمومیت بیشتر به ترتیب زیر است: اولاد ذکور از اناث، اولاد اناث از ذکور، اولاد اناث از اناث و در صورت انقراض نسل به معتمدین و صلحا منتقل می‌شود.

اهمیت تعیین تولیت موقوفات را می‌توان در این مرجع مضمونی مشاهده کرد که پس از فوت متولی نخست، در دعوی فرزندزاده صغیر، شناخت متولی اصلح را به شرط معین‌شده توسط واقفه برای تولیت ارجاع داده است. «بر فرض که تولیت هم با او بوده، بعد از آنکه اولاد ذکور واقفه منحصر باشد به یک طفل صغیری و عالیجاه حاجی نصراله‌خان، چون واقفه موقوفه مرقومه، اهلیت را شرط نموده‌اند؛ لذا راجع می‌شود تولیت اعیان و رقبات موقوفه مزبوره حاج نصراله‌خان و اختصاص به مشارالیه داده! و آقا سید محمد علی مرقوم، ابدأ حق مزاحمت حاج نصراله‌خان، متولی شرعی موقوفه مرقومه را ندارد و مقتضی اسناد معتبره ملحوظه لهذا؛ احدی را به هیچ وجه من‌الوجه غیر از حاجی نصراله مذکور، حق مداخله و تصرفی در موقوفه مرقومه نبوده». همان‌گونه که مشاهده می‌شود، در این سند نیز شاخص صلاحیت متولیان، نخست، ذکورزاده‌بودن بیان شده و در مرتبه دوم درباره اهلیت سخن گفته شده است. اهلیت‌داشتن، عاری‌بودن شخص از صفات جنون، سفه، صغر، ورشکستگی و سایر خصایص محرومیت از حقوق بوده و به عبارتی شخص باید عاقل، بالغ، رشید و غیر ورشکسته در تصرف مال خود باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۳: ۹۷-۹۸). قواعد تعیین متولی توسط واقفه گونه‌ای از واگشتی‌بودن عملکرد این زنان کنشگر از ساختار اجتماعی است.

نتیجه‌گیری

پیشینه تحقیق نشان می‌دهد، دسترسی به منابع آبی در موقعیت بحران خشکسالی و مواجهه با تغییرات اقلیمی، مسئله‌ای جهانی است. در این شرایط، ضرورت دسترسی زنان به عنوان فرودستان اجتماعی به منابعی مانند آب و شناخت فرهنگی این‌گونه دسترسی‌ها نزد جوامع مختلف بنا به تفاوت‌های فرهنگی، در راستای حمایت از این نیمه ساختار جمعیتی هر جامعه حائز اهمیت مضاعف است. در این بخش از پژوهش، منابع آبی از جمله منابع و عناصر مهم ساختار در راستای آفرینش فرصت کنشگری برای زنان در قالب دسترسی به منابع آبی بنا به مطالعات پیشتر شناخته شد.

تمرکز بر مطالعه پایگاه جنسیتی زنان برای شناخت دلالت‌های دسترسی آنان به منابع آبی و پیامدهای این کنشگری در ساختار اجتماعی با بینایی جنسیتی در یک سامانه فرهنگی بر پایه وقف منابع - رقبات آبی - دال‌های دسترسی زنان به منابع آبی را در یک برش تاریخی، آشکار و پیامدهای بهره‌مندی آن کنشگران از این حق دسترسی را روشن کرد. در این پژوهش مطالعه اسناد دست‌اول تاریخی یا یافته‌ها، کنش‌های موقعیت‌مند زنان دارای دسترسی به منابع آبی را در ضمن محدودیت‌های ساختاری - قشربندی جنسیتی - گواهی داد. مضامین استخراجی از داده‌های بررسی‌شده، مبین پیوند زنان در موقعیت واقفان منابع آبی با ساختار اجتماعی هستند؛ درحالی‌که محدودیت‌های ساختار اجتماعی محرومیت‌هایی برای زنان عصر قاجار را در عرصه‌های عمومی روایت کرد.

پیوند زنان در موقعیت کنشگران فرهنگی و اجتماعی با ساختار اجتماعی به‌دلیل فرصت تصمیم‌گیری آنان در انتخاب چگونگی استفاده از منابع آبی تحت اختیارشان در سامانه فرهنگی منتخب توسط پژوهشگران بررسی شد. باید به این نکته تأکید کرد که این سامانه یعنی وقف، انتخاب و گزینش زنان دارای دسترسی به منابع آبی برای اعمال اراده و تصمیم‌گیری آنان در سامانه استفاده از این نوع دسترسی به شمار می‌آید؛ پس سامانه فرهنگی وقف، نخستین پیامد مورد مطالعه در دسترسی زنان به منابع آبی در قلمرو جغرافیایی و زمانی کرمان دوره قاجار بوده که مبتنی بر جهان‌بینی این کنشگران فرهنگی و اجتماعی به مرحله عمل درآمده است و پیامدهای دیگر دسترسی زنان به منابع آبی را در یک ساختار اجتماعی مشخص روایت می‌کند. پیامد دسترسی زنان به منابع آبی در سامانه فرهنگی وقف را می‌توان با استناد به مضامین مستخرج از روش تحلیل مضمون به‌صورت زیر طبقه‌بندی کرد:

۱. پاسخ به نیازهای فردی یا افراد

۲. پاسخ به نیازهای ساختار اجتماعی؛ پیوند کنشگر و ساختار

۳. پاسخ به نیازهای فیمابینی؛ پیوند کنشگر و ساختار

۴. عملکرد کنشگران گونه‌ای از واگشتی ساختار

۴-۱. محدودیت دسترسی زنان؛ محرومیت ساختار

۴-۲. تکرار کنش و انتظام یک ساختار

پیوند این گروه از کنشگران اجتماعی - فرهنگی با ساختار اجتماعی و نیز دوسویگی کنش‌های آنان با ساختار در هم‌نشینی با کنش‌های واگشتی از ساختار در این مطالعه مشاهده شد. محدودیت دسترسی زنان به منابع در زمینه فرهنگی دوره تاریخی قاجار که تحدیدی از جانب ساختار برای این کنشگران بوده است، به‌صورت واگشتی محرومیت ساختار از کنش واقفان زن در همان عرصه‌های محدود برای زنان را همان‌گونه که مشاهده شد، نشان می‌دهد.

منابع

- احمدنیا، شیرین (۱۳۹۴). *زنان سلامت و محیط‌زیست شهری*. مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
- احمدی، نزهت (۱۳۸۰). نهاد وقف، دگرگونی‌ها و کارکردهای فرهنگی-مذهبی آن در عصر صفوی. *رساله دکتری تاریخ*. دانشگاه اصفهان.
- باستانی‌پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۹۲). *خاتون هفت قلعه*. چاپ هفتم. تهران: نشر علم.
- برگر، پیتروال. و لوکمان، توماس (۱۳۷۵). *ساخت اجتماعی واقعیت (رساله‌ای در جامعه‌شناسی شناخت)*. ترجمه فریبرز مجیدی. تهران: علمی و فرهنگی.
- پارکر، جان (۱۳۸۶). *ساخت‌یابی*. ترجمه حسین علی قاضیان. تهران: نشر نی.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸). *سفرنامه پولاک*. چاپ دوم. ترجمه کیکاووس جهانداری. تهران: خوارزمی.
- تاریخ شاهی قراخانیان (۱۳۹۰). تصحیح محمدابراهیم باستانی‌پاریزی. چاپ دوم. تهران: علم.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۶۳). *ترمینولوژی حقوق*. بنیاد راستاد.
- حسینی‌سیرت، سیدمصطفی (۱۳۹۶). «بررسی مفهوم ساختار اجتماعی در اندیشه اندیشمندان علوم اجتماعی». *فرهنگ پژوهش*، ۳۱، ۱۷۹-۲۰۹.
- خلیلی، محسن (۱۳۸۶). «آسیب‌شناسی مشارکت زنان در جامعه معاصر ایران». *پژوهش زنان*، ۵(۲)، ۱۶۵-۱۸۶.
- دفتر ثبت موقوفات ایالت کرمان (دماک). *محل نگهداری: کرمان*، مرکز کرمان‌شناسی.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه دهخدا*. جلد ۶ و ۸. چاپ اول. تهران: روزنه، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- رحمانی، جبار و فرحزادی، یاسمن (۱۳۹۴). «سفره‌های نذری در تهران: عاملیت زنانه در جماعت آیینی». *پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران*، ۵(۲)، ۱۸۳-۲۰۰.
- ریتزر، جورج (۱۳۹۰). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. چاپ دوم. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.
- زندرضوی، سیامک (۱۳۸۸). *جامعه‌شناسی و بحران منابع طبیعی تجدیدشونده در ایران (پژوهش عملی مشارکتی با اجتماع محلی در حوزه گوشگ و سیاهوه، استان کرمان)*. تهران: نشر قطره.
- سعیدی‌مدنی، محسن (۱۳۸۶). *شکل‌گیری و توسعه نظریه‌های کلاسیک در انسان‌شناسی*. یزد: دانشگاه یزد.
- سمساریزدی، علی‌اصغر (۱۳۸۹). *تدوین تجربیات خبرگان قنات*. چاپ دوم. تهران: مدیریت منابع آبی ایران.
- عبدالهی، محمد (۱۳۸۷). *زنان در عرصه عمومی*. تهران: جامعه‌شناسان.
- علیخانی، اعظم (۱۳۹۵). *دانشنامه عامیانه آب: کویر-کوهستان*. کرمان: فرهنگ عامه.
- علیرضازاد، سهیلا و سرائی، حسن (۱۳۸۶). «زن در عرصه عمومی: مطالعه‌ای در مورد فضاهای عمومی در دسترس زنان شهری و تغییرات آن». *نامه علوم اجتماعی*، ۳۰، ۱۲۳-۱۴۹.

عنصری، جابر (۱۳۷۲). «تعزیه هنر وقفی ایران و میراث جاویدانی از قلمرو آیین و ایمان». وقف میراث جاویدان، ۳، ۱۳۸-۱۴۸.

فکوهی، ناصر (۱۳۸۶). *تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی*. چاپ پنجم. تهران: نشر نی.
کانرتون، پل (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی انتقادی (آدرنو، هابرماس، بنیامین، هورکهایمر، مارکوزه و نویمان)*. ترجمه حسن چاووشیان. تهران: اختران.

کبیر، نایلا (۱۳۸۹). *تأملی در سنجش قدرتمندشدن زنان: منابع، عاملیت، دستاوردها*. ترجمه فاطمه صادقی. توانمندسازی زنان؛ نقدی بر رویکردهای رایج توسعه. گردآوری و تدوین: اعظم خاتم. تهران: آگه.

گادامر، ماهانس گئورک (۱۳۹۳). *زبان به مثابه میانجی تجربه هرمونوتیکی*. چاپ دهم. ترجمه بابک احمدی، مهران مهاجر و محمد نبوی. تهران: مرکز.

غال، مردیت و همکاران (۱۳۸۶). *روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی*. جلد دوم. ترجمه احمد نصر و همکاران. تهران: سمت.

لباف‌خانیک، مجید (۱۳۸۵). *نظام‌های تقسیم آب در ایران*. تهران: مؤسسه گنجینه ملی آب ایران.
لمبتون، آن کاترین سواين فورد (۱۳۶۲). *مالک و زارع در ایران*. چاپ سوم. تهران: علمی و فرهنگی
وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی.

لومبار، ژاک (۱۳۹۷). *مبانی نظری مردم‌شناسی*. ترجمه جلال‌الدین رفیع‌فر. تهران: حجسته.
مالینوفسکی، برانیسلاو (۱۳۸۴). *نظریه علمی فرهنگ و چند مقاله دیگر*. ترجمه منوچهر فرهنگد. تهران: مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها و دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

محمدی، بیوک (۱۳۹۲). «واحد مشاهده در تحقیق کیفی». *پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران*، ۳(۲)، ۱۴۵-۱۶۲.

مصطفوی، محمدعلی (۱۳۹۶). «بررسی ماهیت تولید و انواع آن». *وقف میراث جاویدان*، ۹۷ و ۹۸، ۶۳-۸۲.

مصلح، علی‌اصغر و پارساخانقاه، مهدی (۱۳۹۰). «واسازی به منزله یک استراتژی». *متافیزیک*، ۱۱ و ۱۲، ۷۲-۵۹.

منادی، مرتضی (۱۳۸۹). «روش کیفی و نظریه‌سازی». *فصلنامه راهبرد*، ۵۴، ۱۰۷-۱۳۴.
میل، جان استورات (۱۳۷۹). *انتقاد زنان*. ترجمه علاءالدین طباطبائی. تهران: هرمس.
ناجی‌راد، محمدعلی (۱۳۸۲). *موانع مشارکت زنان*. تهران: کویر.
نادری، سارا (۱۳۹۳). *درآمدی بر روایت زنانه از شهر*. چاپ دوم. تهران: تپس.
نرسیسیانس، امیلیا (۱۳۹۰). *مردم‌شناسی جنسیت*. چاپ دوم. تهران: افکار.
ورنر، کریستف. (۱۳۷۸). «زنان واقفه در تهران عهد قاجار». ترجمه نسیم مجیدی قهرودی. *میراث جاویدان*، ۷(۴)، ۱۱۵-۱۲۲.

Grant, M. (2017). Gender Equality and Inclusion in Water Resources Management. *Global Water Partnership High Level Panel on Water (HLPW)*. (2018). *Making Every Drop Count: An Agenda for Water Action. HLPW Outcome Document*.

- Parker, H., Oates, N., Mason, N., Calow, R., Chadza, W., & Ludi, E. (2016). Gender, agriculture and water insecurity. *Overseas Development Institute (ODI)*.
- Stevenson, E. G., Greene, L. E., Maes, K. C., Ambelu, A., Tesfaye, Y. A., Rheingans, R., & Hadley, C. (2012). Water insecurity in 3 dimensions: an anthropological perspective on water and women's psychosocial distress in Ethiopia. *Social science & medicine*, 75(2), 392-400.
- United Nations Department of Economic and Social Affairs. (2005). Women and Water. Retrieved from <https://www.un.org/womenwatch/daw/public/Feb05.pdf>